

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۲۴ اپریل ۲۰۲۵

## معرفی رمان «سربازها» به قلم سیدمحمد رادمنش

انتشاراتی به نام «معتبر» در اهواز در سال ۱۴۰۲، رمان «سربازها» را در ۳۰۸ صفحه، منتشر کرده است. رمان سربازها، به قلم سیدمحمد رادمنش منتشر شده است. وی در این رمان خود همبستگی، تعامل، دوستی و وحدت میان گرایش‌های سیاسی، ملیتی و ادیان مختلف و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی را توصیف می‌کند. رمان سربازها با زبانی ساده و قابل فهم و در عین حال شیوا حاوی پیام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ضدجنگ است.

رمان سربازها بر صحنه‌های جنگ خانمانسوز هشت ساله ایران و عراق متمرکز است. سربازان ایرانی که در خط مقدم جبهه بودند ترکیب بسیار ناهمگونی داشتند چرا که دارای عقاید مذهبی و دیدگاه‌های مختلف سیاسی و ملل مختلف ساکن ایران بودند، یکی کمونیست و دیگری مسلمان بود، یکی مسیحی، دیگری کلیمی، اما برای هدف مشترکی که همان جنگ و دفاع از کشور بود در یکجا جمع شده بودند. رمان سربازها داوطلبانه و برخی اجباری به به سربازی رفته و راهی خط مقدم جنگ در جنوب ایران شده بودند. این رمان نشان می‌دهد چگونه این افراد با باورهای سیاسی و عقاید مذهبی مختلف توانستند در شرایط دشوار جنگ با یکدیگر تعامل برقرار کنند و شریک غم و شادی هم باشند.

رمان پس از توصیف بافت سربازان ایرانی در خط مقدم جبهه، از جایی آغاز می‌شود که سربازان ایرانی، شبیخون می‌زنند و گروهی از سربازان عراقی را به اسارت می‌گیرند؛ در عین حال به جای آزار دادن، با ملامت و مهربانی و انسان‌دوستی با آن‌ها رفتار می‌کنند و با کمک همدیگر، مسیری را در پیش می‌گیرند که نهایتاً هدفشان صلح و آرامش است. در واقع به‌نوعی گرایش ضد جنگ پیدا می‌کنند.

سربازها در این جنگ با تعامل‌شان با سربازان جبهه مقابل، یعنی دشمن و ایجاد دوستی به جای جنگ و خونریزی، فرهنگی را در جامعه تبلیغ و ترویج می‌کنند که می‌توان از جنگ و خونریزی گذشت و صلح و دوستی را جایگزین آن کرد.

\*\*\*\*\*

در ابتدای این رمان آمده است:

از آنجایی که گروهان یازدهم، از تیپ چهارم و لشکر ۱۰۱ از افراد نامتجانس و با عقاید مختلف تشکیل شده بود این تصور در پاره‌ای از آن‌ها به‌وجود آمده بود که مبادا دستگاه حکومتی عمداً آن‌ها را این‌جا جمع کرده تا کشته شوند و از

شرشان راحت شود. بعد هم به این ارزیابی رسیدند که بیش‌تر اعضای این گروهان که دارای دین و باورهای مختلف هستند، داوطلبانه به جبهه آمده و فقط چند تا سرباز اجباری دارند که ارتش آن‌ها را به خدمت فراخوانده است... (ص ۳)

در بحث‌های مختلفی که میان سربازان گروهان ۱۱ درگرفته بود حتی فرمانده نیز دخالت کرده و می‌گوید: نه بابا ما در این‌جا دگراندیش نداریم. همه ما یک نام خانوادگی و یک دین را به‌طور مادرزادی به خودمان آویزان کرده‌ایم، که تعیین‌کننده نقش ما در جنگ نیستند. همه ما خواهان صلح و دوستی و احترام متقابل انسان‌ها هستیم. همه ما خواهان صلح و دوستی و احترام متقابل انسان‌ها هستیم. همه ما می‌خواهیم محیط زیستی سالم داشته باشیم. همه می‌خواهیم در کنار هم احساس امنیت کنیم. آیا کسی هست که با این اصول مخالف باشد؟ ... بیش‌تر شما داوطلبانه به جبهه آمده‌اید که تا پای جان از میهین خود دفاع کنید. شما همگی می‌دانستید که در جنگ حلوا پخش نمی‌کنند. جنگ یعنی مبادله گلوله برای کشتن، کشته شدن و مرگ... (صفحه ۲۳)

... در مجموع ارزیابی فرماندهان تیپ از اعضای تشکیل‌دهنده این گروهان ارزیابی مثبتی نبود و آن‌ها را افرادی نافرمان و نظم و نظم‌ناپذیر می‌دانستند. از این‌رو به سرگروهان دستور داده شد که باید کمبدهای این گروهان را با فرماندهی قاطع و قوی خود جبران کند. سرگروهان بهزاد قول داد که همه کوشش خود را در این راه به کار خواهد بست و مأموریتش را به خوبی انجام خواهد داد. به فرمانده بهزاد قول داده شد که اگر مأموریتش را به خوبی انجام دهد پس از پایان مأموریت، درجه ارتقا خواهد گرفت. مدت‌ها بود که سرگروهان بهزاد و به دلیل آنچه آن‌ها، افکار غیرمنسجم می‌نامیدند، ارتقا نگرفته بود. افکار غیرمنسجم از نظر آن‌ها پایبند نبودن به اصول جنگ و داشتن افکار ضدجنگ بود... (ص ۳۰)

... بهرام یاری تکه‌های خوب ماهی‌ها را جدا کرد و به عراقی‌ها (اسرا) داد. همه از این حرکت بهرام یاری خیلی خوششان آمد. عراقی‌ها برای اولین بار لبخند می‌زدند و تشکر می‌کردند.

دست عراقی‌ها موقع تعارف ماهی بسته بود. همه منتظر بودند ببینند که فرمانده برای این مشکل چه دستوری می‌دهد. فرمانده گفت یک دست از هر نفر را باز کنید و دست دیگرش را با دست بغل دستی به هم ببندید. بدن ترتیب هر نفر یک دست آزاد و یک دست بسته دارد. با این روش عراقی‌ها می‌توانند غذایشان را با یک دست بخورند. فرمانده به نیروهای ایرانی پیشنهاد داد که اگر حس کردید که عراقی‌ها در گرفتن لقمه و در غذا خوردن راحت نیستند، می‌توانید در لقمه گرفتن به عراقی‌ها کمک کنید... فرمانده دنبال سعید صالحی که عرب زبان و مسلط به زبان عربی بود فرستاد تا بیاید و به عراقی‌ها دلگرمی بدهد و به آن‌ها بگوید که خطری آن‌ها را تهدید نمی‌کند. سعید صالحی از اعضای گروه ۲ بود که فعلاً داشت از سنگر عراق‌ها مراقبت می‌کرد. بچه‌ها همگی دوست داشتند عراقی‌ها در کنار آن‌ها احساس امنیت بکنند و اطمینان داشته باشند خطری آن‌ها را تهدید نمی‌کنند. ولی چون زبان عربی آشنا نبودند نمی‌دانستند چگونه باید این موضوع را به آن‌ها بفهمانند. سعید صالحی سخنان فرمانده را برایشان ترجمه می‌کرد و به آن‌ها گفت که فرمانده می‌گوید اصلاً نگران نباشید این‌جا شما اسیر نیستید میهمان ما هستید و احترام شما واجب است. (صص ۱۰۷ و ۱۰۸)

... عراقی‌ها به سعید گفتند به فرمانده و دوستان ایرانی ما بگو که ما احساس غریبی نمی‌کنیم. ما هم مقدار زیادی کمپوت، غذای کنسرو شده و نان خشک در سنگر داریم. این مقدار خوردنی برای مصرف چند روز هر گروهان عراقی و ایرانی کافی است. (ص ۱۰۹)

فرمانده بهزاد: چرا که نه؟ من فعلاً می‌خواهم به جای جنگ و خونریزی، برای صلح و دوستی مبارزه کنم. حالا اگر این اندیشه جهانی شد که چه بهتر. ما می‌دانیم که این اندیشه دیر یا زود جهانی خواهد شد. ما داریم حرف دل همه آزاد مردان و آزاد زنان جهان را می‌زنیم. یکی و یا کسانی باید شروع‌کننده یک اندیشه باشند. کسانی باید جرعه را بزنند تا

دیگران راه بیفتند. مردم جهان، امروز علاقه‌ای به جنگ ندارند جنگ به دردشان نمی‌خورد. مردم تو نان شبشان مانده‌اند، جنگ همه را بی‌نان و بی‌نوا تر می‌کند. پس جنگ مال مردم نیست ولی این مردم‌اند که هزینه جنگ را می‌پردازند و کشته می‌شوند. این مردم هستند که وادارشان می‌کنند که نسبت به همسایه‌ها کینه داشته باشند. درصد ناچیزی از مردم جهان از جنگ سود می‌برند این درصد اندک با تجارت اسلحه و راه‌انداختن جنگ‌ها، سودهای کلانی به جیب می‌زنند. آن‌ها با نیرنگ‌هایی که بلدند، توده‌ها را نسبت به هم آن‌چنان دشمن می‌کنند که چاره‌ای جز جنگیدن با هم و به کار بردن اسلحه‌های آن‌ها نداشته باشند. هیچ‌کدام از آن‌هایی که جنگ راه می‌اندازند نه خودشان و نه کس و کارشان هرگز در جنگ کشته نمی‌شوند ولی مردم بیچاره که نمی‌دانند که چرا جنگ شروع شده و چرا می‌جنگند، کشته می‌شوند، بی‌خانمان می‌شوند، معلول می‌شوند و تا همیشه گرفتارند. (ص ۲۰۱)

\*\*\*\*\*

نظر درباره جنگ و ضدجنگ موضوعی بسیار گسترده و پیچیده است، اما می‌توان آن را از دو منظر انسانی و اخلاقی و تحلیل و سیاسی بررسی کرد.

### از منظر انسانی و اخلاقی:

جنگ اغلب با ویرانی، رنج، مرگ و آسیب‌های روحی و جسمی همراه است. بیش‌تر مردم عادی که ناخواسته درگیر جنگ می‌شوند، خود هیچ نقشی در تصمیم‌گیری برای آغاز آن نداشته‌اند. به همین دلیل، دیدگاه ضدجنگ که خواستار صلح، دیالوگ، و راه‌حل‌های سیاسی غیرخشونت‌آمیز برای حل اختلافات است، رویکردی انسانی و اخلاقی به‌منظر می‌رسد. ضدجنگ بودن یعنی باور داشتن به این‌که ارزش جان انسان‌ها فراتر از منافع سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک است.

### از منظر تحلیلی و سیاسی:

جنگ‌ها معمولاً به دلایل مختلفی راه انداخته می‌شوند، از جمله:

۱. منافع اقتصادی: کنترل منابع طبیعی، بازارها یا مسیرهای تجاری مهم.
۲. قدرت‌طلبی و سلطه: حکومت‌ها یا گروه‌هایی که به دنبال گسترش نفوذ و تسلط سیاسی یا نظامی خود هستند.
۳. اختلافات ایدئولوژیک یا مذهبی: گاه جنگ‌ها به بهانه تفاوت در باورها یا نظام‌های فکری راه‌اندازی می‌شوند.
۴. مسائل ملی و سرزمینی: اختلافات بر سر مرزها یا هویت ملی.
۵. پروپاگاندا و ترس: حکومت‌هایی که از جنگ به‌عنوان ابزاری برای سرکوب داخلی یا انحراف افکار عمومی استفاده می‌کنند.

در نهایت، بیش‌تر متفکران و فعالان سیاسی و اجتماعی آزادی‌خواه و برابری‌طلب بر این باورند که جنگ در بیش‌تر موارد نتیجه شکست در دیپلماسی و مذاکره است، و به همین دلیل باید تا حد ممکن از آن جلوگیری کرد.

سه‌شنبه دوم اردیبهشت-ثور - ۱۴۰۴ - بیست و دوم اپریل ۲۰۲۵

\*آدرس الکترونیکی انتشارات معتبر در اهواز: [moatabar.alavi@gmail.com](mailto:moatabar.alavi@gmail.com)